



## Child Abuse by Parents in Jurisprudence and Law; with Emphasis on the Role of Forensic Medicine

Maryam Hosseinmardi <sup>1</sup>, Akbar Ahmadi <sup>2\*</sup>, Naserali Afzalnezhad <sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 25-36**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0009-0003-0882-8219

**TELL:** +989177184404

**Email:** akbar.ahmadi@iau.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 21 Feb 2023

**Revised:** 19 Jul 2023

**Accepted:** 26 Jul 2023

**Published online:** 23 Sep 2023

**Keywords:**

Child Abuse, Parents,  
 Forensic Medicine.

### ABSTRACT

The rights of children due to their special conditions, are the focus of domestic and international documents. For this reason, the judicial investigation of child abuse requires the role of other authorities, including forensic medicine. The aim of the current research is to examine child abuse by parents in jurisprudence and law; with emphasis on the role of forensic medicine. The question is, how can forensic medicine prevent child abuse by parents? The hypothesis is this: As a special authority, the forensic medicine, with its knowledge and expertise, acts to identify the physical and physical cases of the child abuse and reports them to the judicial authorities. The findings of the research confirm that due to the complexity of diagnosing child abuse and the rapid disappearance of physical injuries, the lack of expertise of judicial institutions, as well as the need to determine the exact amount of injuries and damages inflicted on children, we need the role of forensic medicine. Providing specialized and technical information and informing judges about new types of child abuse is one of the forensic assistance in this field. Due to the necessary expertise and skills, forensic medicine is both a suitable support for the realization of justice in the judicial system and the issuing of decisions, and a source for reforming the structures that lead to the occurrence of child abuse. In the current research, a descriptive method was used, and the materials were also collected by means of documents.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Hosseinmardi, M; Ahmadi, A & Afzalnezhad, N (2023). "Child Abuse by Parents in Jurisprudence and Law; with Emphasis on the Role of Forensic Medicine". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 25-36.



انجمن علمی فقه‌برای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

## کودک‌آزاری والدین از منظر فقه و حقوق در پرتو نقش پزشکی قانونی

مریم حسین‌مردی<sup>۱</sup>، اکبر احمدی<sup>۲\*</sup>، ناصرعلی افضل‌نژاد<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

### چکیده

حقوق کودکان به دلیل آنکه دارای شرایط خاصی هستند، مورد توجه اسناد داخلی و بوده و به همین دلیل رسیدگی قضایی به کودک‌آزاری نیازمند نقش‌آفرینی سایر مراجع از جمله پزشکی قانونی است. پژوهش حاضر به بررسی کودک‌آزاری والدین از منظر فقه و حقوق اسلامی در پرتو نقش پزشکی قانونی می‌پردازد. سؤال این است که پزشکی قانونی چگونه می‌تواند باعث جلوگیری از کودک‌آزاری توسط والدین شود؟ فرضیه این است: پزشکی قانونی به‌عنوان یک مرجع تخصصی با علم و تخصص خود نسبت به شناسایی مصادیق جسمی و بدنی کودک‌آزای اقدام نموده و به مراجع قضایی گزارش می‌دهد. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که با توجه به پیچیدگی تشخیص کودک‌آزاری و از بین رفتن سریع صدمات بدنی، عدم تخصص نهادهای قضایی و همچنین نیاز تعیین میزان دقیق صدمات و خسارات وارده بر کودکان، نیازمند نقش‌آفرینی پزشکی قانونی هستیم. ارائه اطلاعات تخصصی و فنی و آگاه ساختن قضات از انواع نوین کودک‌آزاری از جمله کمک‌های پزشکی قانونی در این زمینه است. پزشکی قانونی به دلیل تخصص و مهارت لازم هم‌پشتوانه مناسبی برای تحقق عدالت در دستگاه قضایی و صدور آراء است و هم‌منبعی برای اصلاح ساختارهایی که منجر به بروز کودک‌آزاری می‌شود. در پژوهش حاضر از روش توصیفی استفاده شده که مطالب نیز به شیوه اسنادی و فیش‌برداری جمع‌آوری شده است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵-۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد آرکاید: ۸۲۱۹-۸۸۲-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۷۷۱۸۴۴۰۴

ایمیل: akbar.ahmadi@iauo.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

کودک‌آزاری، والدین، پزشکی قانونی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

به این دلیل که نوعی بهره‌گیری خلاف از کودکان بوده که مستوجب پیگرد قانونی است.

قوانین داخلی در ایران پس از انقلاب اسلامی به‌طور مشخص برگرفته از فقه و آموزه‌های دینی هستند، اما به دلیل فراگیری قوانین و حقوق بین‌الملل و عضویت ایران در بسیاری از این نهادها از جمله کنوانسیون حقوق کودک، قوانین و مقررات داخلی نیز تحت تأثیر قوانین و مقررات بین‌المللی بوده و بخش دیگری از آنان نیز به‌طور مشخص به‌عنوان حمایت کیفری داخلی شناخته می‌شوند که حتی نوآوری‌های قابل توجهی نیز در آنان دیده می‌شود. قوانین مجازات اسلامی که از سال ۱۳۶۰ شروع شده و جدیدترین آن مربوط به سال ۱۳۹۹ و در قالب حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان نمود یافته است. رویکردهایی که تا قبل از دهه ۱۳۹۰، بر قوانین داخلی حکمفرما بودند، غالباً به تشریح مقررات حقوقی در چارچوب مقررات و آیین‌نامه‌های کلی می‌پرداختند و کمتر به موضوع کودکان به‌طور خاص توجه نشان می‌دادند. اما این رویه از سال ۱۳۹۲ و با مصوب شدن قانون مجازات اسلامی، شکل تازه‌ای به خود گرفت و حمایت از کودکان به شکل قانونی و حقوقی به تدوین قوانین و مقررات خاصی در این زمینه منجر شده است.

تحقیقات متعددی در ارتباط با کودک‌آزاری نگارش شده است و البته در زمینه نقش پزشکی قانونی در تشخیص کودک-آزاری پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است. از جمله در پژوهش هلالی (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی کودک‌آزاری با تأکید بر مقابله با کودک‌آزاری جنسی در حقوق ایران و فقه امامیه» به اهمیت تناسب جرم و مجازات در مقابله با این پدیده شوم و تضییع حقوق کودکان توجه نشان داده است. در مقاله برهانی (۱۳۹۰) با عنوان «گستره تنبیه بدنی اطفال توسط والدین از منظر قانون و فقه» به اصول ۱۶۷ قانون اساسی بر حق والدین بر تنبیه والدین با مراجعه به متون شرعی اشاره شده است که در بند اول ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی بر حد متعارف اقدامات تربیتی والدین اشاره شده است. در کتاب آقاییلویی و دیگران (۱۳۸۰) با عنوان کودک‌آزاری به مباحث نظری و تاریخی در ارتباط با حقوق

کودکان در فقه و حقوق اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار هستند که نه تنها به‌مثابه یک انسان دارای حقوق، بلکه به‌دلیل شرایط خاصی که در آن قرار دارند، مورد توجه ویژه نیز قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین و نخستین حقی که قرآن در زمینه حقوق کودکان بدان توجه کرده، حق حیات است که خود مبنای سایر حقوق قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه کودکی مهم‌ترین دوره زندگی انسان است و شیوه تربیت فرد، نحوه آمادگی وی برای مواجهه با مسائل و مشکلات و همچنین طرز رفتار وی با دیگران و یا بهره‌مندی وی از حقوق و تکالیف و مسؤولیت‌پذیری در این سن بنا می‌شود؛ از این رو باید گفت که حمایت از کودکان در برابر آسیب‌ها و خطرات اعم از جسمی، روانی چه در محیط خانواده و چه بیرون از آن دارای اهمیت فراوانی است. با توجه به اینکه دین اسلام از جامعیت برخوردار است، پرداختن به نیازها، مسائل و مشکلات اطفال و نوجوانان نیز از احکام و دستورات دینی دور نمانده است. بر همین اساس در فقه اسلامی و از جمله فقهای شیعه، به حقوق کودکان و جلوگیری از کودک‌آزاری توجه شده است که طیفی از عدم تأمین نیازهای کودک تا کودک‌آزاری جنسی، تنبیه فیزیکی و بدنی و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و روانی وی را در بر می‌گیرد. کودک که در کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق شده است، دارای نیازها و حقوقی است که بی‌توجهی به آنان حتی اگر از سوی والدین باشد، نقض حقوق وی محسوب شده و نیازمند رسیدگی قضایی است. بنابراین حفظ سلامتی کودک دارای اهمیت فراوانی است و مجازات نمودن کودک‌آزاری بر مبنای قوانین موجود نوعی حمایت از آنان محسوب می‌شود. از جمله در قانون مجازات اسلامی، و ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان ممنوع بوده و مستعد مجازات است (عبدالله‌پور، ۱۳۹۸: ۶۳). یا می‌توان به ماده ۷۹ قانون کار اشاره نمود که به‌موجب آن، کار کردن کودکان زیر ۱۵ سال از مصادیق کودک‌آزاری است؛

### ۱-۲- جایگاه کودک در اسلام

کودک در اسلام دارای جایگاه رفیعی است و به همین دلیل آزار و اذیت کودکان در هر شکل و نوع آن مذموم و ناپسند شمرده شده و حتی مجازاتی نیز برای آزاردهندگان در نظر گرفته شده است. از جمله آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «مادر فرزند خود را - در اثر خشمی که نسبت به پدر دارد- از شیر دادن رها نکند. همچنین پدر - برای ضرر رساندن به مادر- نوزاد را از مادر نگیرد؛ زیرا نتیجه این عمل ضرر به نوزاد است.» این آیه شریفه دلالت روشنی بر حرمت کودک‌آزاری دارد. آیات قرآن کریم از فرزندان با عناوینی همچون نور چشم (فرقان/۷۴) و زینت بخش زندگی (کهف/۴۶) یاد می‌کند. با پیروی از همین آیات و روایات، کودک‌آزاری به‌عنوان مصادیق نادیده گرفتن حقوق آنان، از منظر فقهی امری ناپسند و از منظر حقوقی دارای مجازات شمرده شده است.

حمایت از حقوق کودکان هرچند از حیث ایجابی مورد توجه دین اسلام است، اما از حیث سلبی و دفع تهدیدات و خطرات نیز به حقوق کودکان توجه نشان داده شده است. یعنی در شرع مقدس اسلام، هرگونه تعدی و تضییع حقوق کودکان نهی شده است (فصیح رامندی، ۱۳۹۸: ۸۸). در رأس آیین مقدس اسلام، احادیث رسول گرامی اسلام (ص) است که در این باره می‌فرمایند: «أَجِبُوا الصِّبَانَ وَ اِرْحَمُوهُمْ». کودکان را دوست بدارید و به آنان ترحم و شفقت نمایید (کلینی، ۱۳۵۹: ۴۹/۶). همچنین درباره اهمیت تربیت صحیح و نیکوی فرزندان و کودکان از مولای متقیان علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم». «فرزندانتان را گرامی بدارید و به شایستگی تربیت کنید تا مورد مغفرت قرار گیرید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۶/۲۱). با در نظر گرفتن اهمیت توجه و محبت به کودکان، آزاررسانی به آنان نیز منع شده است و اصول و مبنای فقهی متعددی وجود دارد که نشانگر ممانعت از کودک‌آزاری است. از جمله اینکه بر مبنای اصل لاضرر که حکمی کلی و فراگیر برای جلوگیری از کودک‌آزاری نیز از آن قابل استنباط است، هرگونه ضرر رسانیدن به کسی جایز نیست. زیرا ضرر به دیگری باعث نقص، تنگنا و سختی برای صاحبش می‌شود (صدر، ۱۴۱۷: ۴۵۰/۵). بنابراین در صورتی که حقوق کودک بر مبنای این

کودک و تحولاتی که منجر به شناسایی حقوق کودکان شده است پرداخته است. مقاله دیگری با عنوان «موقعیت اطفال بزه‌کار-بزه دیده در حقوق کیفری ایران» توسط رایجیان اصلی (۱۳۸۱) نگارش شده که با دیدی انتقادی به اصلاح قوانین موجود در زمینه کودکان بزه‌دیده اشاره شده است. کودک‌آزاری نیز بخشی از بزه‌دیدگی کودکان است که حتی می‌تواند توسط خانواده صورت گیرد. با عنایت به تحقیقات حاضر، مقاله حاضر درصدد است تا به کودک‌آزاری از منظر فقه و حقوق با تأکید بر نقش پزشکی قانونی بپردازد. در ابتدا جایگاه کودک در فقه و حقوق داخلی و سپس اهمیت پزشکی قانونی در رسیدگی به کودک‌آزاری و نقشی که در دادرسی کیفری ایفا می‌کند، مورد توجه مقاله حاضر است.

### ۱-۱- کودک و کودک‌آزاری در فقه

#### ۱-۱-۱- مفهوم کودک

در اصطلاح فقهی به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود. این تعبیر به معنای آن است که کودک در واقع همان فردی است که به بلوغ نرسیده باشد. مثلاً در باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام، در کلمات بعضی از فقیهان آمده است: «حکم طفلی که به سن بلوغ نرسیده مطلقاً (پسر باشد و یا دختر) از جهت مسلمان یا کافر بودن، حکم والدین او است و در احکامی مثل طهارت و نجاست، از آن‌ها تبعیت می‌نماید» (عاملی، ۱۳۸۰: ۴/۱۴۰). صاحب جواهر نیز بلوغ را نیز این‌گونه تعریف کرده است: «بلوغ همان انتهای مرحله صغر و کودکی، و دخول در مرحله تکلیف است» (نجفی، ۱۳۷۹: ۲۶/۵۴). علاوه بر تعاریفی که فقهای مشهور از تعریف کودکی به ما ارائه کردند، در فقه اسلامی، کودک را به ممیز و غیرممیز نیز تقسیم‌بندی کردند. کودک ممیز کودکی است که خوب و بد، و نفع و ضرر را از هم بازشناسد و اجمالاً از دادوستدها و معاملات سر در بیاورد (حلی، ۱۳۵۹: ۳۰۶/۷). بنابراین داشتن قوه تمیز و نوعی پی‌بردن به ترجیحات و منافع فردی و جمعی می‌تواند از نشانه‌های یک کودک ممیز باشد.

قاعده و یا دیگر قواعد نظیر لاجرح با شیوه آزار وی رعایت نشود، می‌توان از کودک‌آزاری بر مبنای اصول فقهی سخن گفت. یعنی بر مبنای قواعد فقهی می‌توان از حق کودک دفاع نمود و در نتیجه اینکه از زیان رسیدن به وی جلوگیری به عمل آورد (مظاهری و صالحی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸۲). همان طور که از امام صادق (ع) نقل شده است که: «حدود شرعی درباره کودکان جاری نمی‌شود، اما تأدیب شدید می‌شوند» (فرقانی، ۱۳۸۰: ۶۴). این روایت به خوبی بیانگر نهی رفتار خشونت‌آمیز و آزار کودکان از روش تنبیه فیزیکی و بدنی است. یا در جای دیگری از امام موسی کاظم (ع) روایتی آمده است که مردی به حضور امام کاظم (ع) رسید و از فرزند خود شکایت کرد، حضرت فرمودند: «فرزندت را نزن و برای ادب کردنش با او قهر کن، ولی مواظب باش قهرت طول نکشد و هرچه زودتر آشتی کن» (حلی، ۱۳۵۹: ۸۹). بنابراین روایات و سیره ائمه معصوم (ع) به خوبی گویای نفی تنبیه بدنی کودک و یا آزار جسمی آنان است.

در سیره رسول گرامی اسلام، رعایت حقوق کودکان و جلوگیری از بروز تهدید و خطرات امری مهم بوده است؛ تا جایی که برای حفظ سلامتی و عدم تهدیدات جانی برای کودکان در برخی از روایات آمده است که رسول گرامی اسلام (ص)، داوطلبان کودک برای جهاد زیر سن بلوغ را نمی‌پذیرفتند و آنان را مخاطب تکلیف جهاد نمی‌دانستند (مرورید، ۱۳۸۳: ۷۸/۹). بنابراین هنگامی که در جهاد به‌عنوان یک تکلیف الهی، کودکان از آن معاف می‌شوند، اهمیت سلامتی کودکان بیش از پیش نمایان است.

نتیجه این مباحثات فقهی امروزه به شکل قوانینی درآمده است که با عنوان حقوق کودک نیز شناخته می‌شود. این حقوق هم در قوانین عام نظیر قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و هم در قوانین خاص از جمله قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ دیده می‌شود.

## ۲- سیر قانونی حمایت از کودکان در حقوق کیفری ایران

با عنایت به تعاریفی که از کودک در فقه اسلامی ارائه شده است، کودک و یا کودکان دارای حقوقی هستند که نیازمند مراقبت و حفاظت بوده و یا نیازمند شرایطی هستند که بتوانند

استعدادها و توانایی‌های خود را شکوفا سازند. در قانون داخلی از دیرباز به تدوین قوانین و مقررات کیفری خاص در ارتباط با کودکان توجه نشان داده شد. از منظر حقوقی و تدوین قوانین باید گفت که قانون مجازات اسلامی که برای نخستین بار در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید، مشتمل بر ۴۱ ماده و هشت فصل بود که در این میان تنها یک بند، به جرایم کودکان و نوجوانان (اطفال) تخصیص یافته بود. اما همین ماده که شامل سه تبصره نیز هست، از اهمیت حقوقی خاصی در میان مقررات کیفری کودک و نوجوان برخوردار است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲: ۳). خوانش این ماده نشان می‌دهد که در مورد طفل (در اینجا کودکی که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد)، در صورتی که مرتکب جرمی گردد، هیچگونه مسؤولیت کیفری متصور نیست. از این حیث می‌توان در این قانون نشانه‌هایی از حرکت به سمت حقوق انسان‌گرایانه و توجه بیشتر به مسائل انسانی در عرصه مجازات را مشاهده نمود. دومین قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید. در این قانون نسبت به قانون مجازات اسلامی اول، توجه بیشتری به مسائل حقوقی کودک و نوجوان گردیده است، به نحوی که از بین ۱۵۹ ماده این قانون سه ماده شامل مواد شماره ۹۷ تا ۹۹ به مسائل کیفری کودک و نوجوان پرداخته است. بعدها در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱، بحث کودک‌آزاری به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفت و این تعریف مطرح شد: «هرگونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که باعث شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را مخاطره بیندازد، ممنوع است» (ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹). ضمن اینکه قانونگذار در همین ماده، مصادیق کودک‌آزاری را شامل: آزار جنسی توسط محارم یا با عنف، آزار جنسی غیرتماسی، بهره‌کشی جنسی، در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان؛ استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه و معامله محتوای مستهجن دانسته است.



- بهره‌کشی اقتصادی: به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.

- معامله: خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی که به موجب آن طفل یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد؛

- فحشاء: هرگونه به‌کارگیری و یا وادار کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌های جنسی برای خود یا دیگری؛

- هرزه‌نگاری: تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد؛

- خطر شدید و قریب‌الوقوع: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به‌نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاد نماید.

موارد اخیر به معنای آن است که در صورت مواجهه کودک با چنین اعمالی از سوی والدین به معنای کودک‌آزاری بوده و مستوجب پیگرد قانونی است. با این حال، درباره کودک‌آزاری از منظر حقوقی باید گفت که قوانین داخلی بیشتر بر آزار کودک به شیوه عینی و جسمانی تمرکز کرده و آنان را قابل مجازات دانسته‌اند. تنبیه بدنی که عرفاً نوعی مجازات و شامل اعمال نوعی رنج جسمانی خارجی باشد؛ اعم از چوب، شلاق، کمر بند و ترکه نازک و سیلی و غیره است و البته در طبقات اجتماعی و فرهنگی مختلف دارای مفاهیم متفاوت است (انجم شعاع، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۳). در قوانین موضوعه ما صرفاً محدود به قاعده «میزان و مصلحت» شده است: معیاری که در نزد خانواده‌های مختلف حدودثغور متفاوتی می‌تواند بیابد. حتی قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۷۹ اعمال تنبیه توسط والدین را خارج از حدود تأدیب متعارف، با توجه به شرایط کودک ممنوع اعلام کرده است. بی‌توجهی به سرنوشت اطفال به همین‌جا خاتمه نمی‌یابد.

قانون حمایت، مجازات تعزیری برای ایراد ضرب و جرح (عمدی) نسبت به کودکان توسط والدین را تعیین نکرده

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از جمله مهم‌ترین قانون مجازاتی است که در آن به مقررات کیفری در خصوص کودکان اختصاص یافته است. در این قانون، رویکرد حمایت از حقوق کودک و نوجوان جای خود را به رویکردی داده است که توجه خود را به جرایم اطفال معطوف نموده است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۶۵). مواد ۸۸ تا ۹۵ این قانون به مجازات جرایم اطفال مربوط است. اما مهم‌تر از همه، قانون خاص مربوط به کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است که با عنوان «قانون حمایت از کودک و نوجوان» شناخته می‌شود. این قانون به‌طور کامل به مسأله حمایت از حقوق کودک و نوجوان تخصیص یافته است. یعنی شکلی از قانونگذاری متفاوت و ویژه برای کودکان را شامل می‌شود (یزدانی و زاهدیان، ۱۳۹۶: ۷). این قانون دارای ۵۰ ماده است و نسبت به قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان، تغییرات و اصلاحاتی داشته است. در این قانون سعی شده است که برخی مفاهیم مهم و اساسی مجدد بازتعریف شده و مبنای قانون‌گذاری مجدد قرار گیرد. اصلاحات صورت گرفته در قانون مصوب ۱۳۹۹، به شرح زیر بوده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۲):

- طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

- نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است؛

- بی‌توجهی و سهل‌انگاری: کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است؛

- سوءرفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی؛

بر علیه کودکان مرتبط است. اما نگارش قوانین به تنهایی کافی نیست و برای پی بردن به کودک‌آزاری نیازمند بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان هستیم که بتوانند برای قاضی به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیرنده درباره کودک‌آزاری، اسنادی فراهم نماید. در اینجا به نقش پزشکی قانونی به‌عنوان یکی از این مراجع و نهادهای تخصصی و اثرگذار اشاره می‌شود.

### ۳- نقش پزشکی قانونی در ممانعت از کودک‌آزاری

#### ۳-۱- نقش پزشکی قانونی در اثبات کودک‌آزاری والدین

پیدایش علوم و فنون نوین و همچنین آثار قابل توجهی که این علوم بر شیوه کار دادگستری گذاشته است، بهره‌گیری از این روش‌ها را برای متخصصین حوزه قضایی الزامی نموده است. هنگامی که بزهکاران در ارتکاب جرایم از شیوه‌های نوین علمی استفاده می‌کنند، دستگاه عدالت نیز برای مبارزه با آنان نیازمند بهره‌گیری از سلاحی مناسب و مجهز است (اربابی مجاز، ۱۳۹۰: ۱۶۳). یکی از این نهادهای نوین و مجهز به دانش روز، پزشکی قانونی است که هم از ابزارهای پزشکی برای کشف جرم استفاده می‌کند و هم اینکه دانش حقوقی و قانونی را برای پیگیری و رصد جرایم مورد توجه قرار می‌دهد.

امروزه با توجه به نیاز قاضی به اظهارنظر کارشناسی و جمع‌آوری اطلاعات تخصصی در زمینه کودک‌آزاری و مخصوصاً پی بردن به نقش والدین در بروز کودک‌آزاری، اهمیت پزشکی قانونی بیش‌ازپیش محل توجه است. بنابراین در فرایند کشف جرم، از جمله کودک‌آزاری، در صورتی که همراه با تنبیه فیزیکی، آزار و اذیت جنسی و جسمی و یا صدمه به کودک باشد، پزشکی قانونی از مراجع صلاحیت‌دار در این زمینه است. این شیوه از خدمات رسانی به کودکان از یک طرف و ممانعت از بروز آسیب به آنان باعث شده تا اهمیت نهادها و مراجع تخصصی نظیر پزشکی قانونی در رسیدگی به مشکلات و آسیب‌های فردی و اجتماعی کودکان اهمیت بیشتری پیدا کند.

اهمیت دیگری که سازمان‌های تخصصی نظیر سازمان پزشکی قانونی دارند، تعیین نوع صدمات از سوی افراد بر

است؛ به همین دلیل برای اجرای مجازات تعزیری می‌بایست به عموماً یعنی ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۱۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ مراجعه کرد که استناد به آن، منوط به وجود صدمات مندرج در آن (نقص یا شکستگی یا از کار افتادن عضوی از بدن یا بروز یک مرض دائمی یا نقص یکی از حواس پنجگانه) و اخلال در نظام و امنیت جامعه یا بروز بیم تجری مرتکب به دیگران است (عباسی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۱۰). ایرادی که به این بخش از قانون وارد است اینکه سایر ضرباتی نظیر تغییر رنگ پوست، حارصه و دامیه را به دلیل عدم اخلال در نظم عمومی مصداق احکام تعزیری نمی‌داند. از این منظر، ضمانت اجرای حفظ و مراقبت از سلامت کودکان در برابر تهدیدات یاد شده از سوی والدین وجود ندارد و این موضوع نیازمند رسیدگی و یا اصلاح مواد مربوط به این بحث در قانون حمایت از کودک و نوجوان مصوب ۱۳۹۹ است. در غیر این صورت بحث خشونت خانگی و تنبیه فیزیکی و بدنی کودکان از سوی والدین به یک امر عادی تبدیل شده و زمینه‌های قانونی برای مجازات خاطیان نیز وجود ندارد. این روند می‌تواند باعث سلطه خشونت‌آمیز والدین بر سایر اعضای خانواده از جمله کودکان منجر شود (نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵). به نظر می‌رسد تجدیدنظر در این قوانین که به موجب ضربه فیزیکی به کودکان الزاماً می‌بایست منجر به شکستگی و یا از کار افتادن یکی از اعضای بدن کودک شود تا به‌عنوان یک جرم تلقی شود، نگران‌کننده است.

مقتن در موارد دیگری نیز حتی در تضاد با اصل عدم مسؤولیت کیفری اطفال، مصرح در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، کودکان نابالغ را در مورد برخی از افعال قابل مجازات دانسته است. با این حال حقوق کیفری نیز با جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌رسان به حقوق، مصالح و منافع عالیه کودکان و نیز از طریق اتخاذ بهترین و مؤثرترین راهبردهای غیر کیفری و غیر سرکوبگر، به تعارض آن‌ها با قانون پاسخ می‌دهد و در این راستا حمایت‌های ویژه و افتراقی از خردسالان به عمل می‌آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۵). که این رویه به معنای رسیدگی کیفری به آزار

حمایت از اطفال و نوجوانان از حیث فساد و فحشاء و یا تنبیهات صورت گرفته بر علیه آنان اعمال می‌کند. در تبصره دوم از ماده ۱۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز چنین آمده است: «چنانچه پزشکان یا اشخاص مرتبط با امور پزشکی در ارتکاب جرم موضوع این ماده شرکت یا معاونت داشته باشند، علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به محرومیت و ممنوعیت درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند». موارد یاد شده در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گویای نقش مؤثر پزشکی قانونی در تشخیص مصادیق کودک‌آزاری و ارجاع آنان به مراجع قضایی است. با این حال بیش از همه نقش تخصص سازمان پزشکی قانونی حائز اهمیت است که با محقق شدن عدالت و کمک به تحقق آن توسط سایر مراجع از جمله قضات دادگستری، بیش‌ازپیش نمایان می‌شود. بنابراین استدلال مطرح شده این است که پزشکی قانونی با توجه به جایگاه تخصصی و علمی‌ای که دارد، پشتوانه مهمی جهت شناسایی، تشخیص و ذکر موارد کودک‌آزاری ایفا می‌نماید که می‌تواند اصل عدالت و بی‌طرفی را در زمینه صدور آراء در بحث کودک‌آزاری به کرسی بنشاند.

به عبارت دیگر، اهمیت سازمان‌های پزشکی نظیر پزشکی قانونی از آن روی است که پرسنل پزشکی به دلیل تخصص و تجربه کافی، هرچه بیشتر نسبت به علائم و شکایات ناشی از سوءاستفاده از کودکان و صدمات جنسی و جسمی وارده بر آنان آگاهی دارند و هنگامی که این موارد به صورت تخصصی توسط این افراد بررسی می‌شود، این معضل اجتماعی بیش از پیش نمایان می‌گردد (جویان، ۱۳۷۸: ۸۵). شناسایی مصادیق آزار کودکان از نظر جسمی و بدنی از سوی نظام پزشکی، به معنای حمایت قانونی از کودکان در برابر تعدی والدین است. همچنان که همین نقش به‌منزله حمایت از کودکان و نوجوانان آسیب‌دیده توسط سایر افراد بزهکار جامعه خواهد بود که می‌تواند منبع مهمی برای تشخیص مشکلات اطفال و نوجوانان از حیث بروز آسیب جسمی و فردی نیز تلقی شود.

نقش آفرینی پزشکی قانونی در زمینه گزارش دادن خشونت‌ها بر علیه کودکان و نوجوانان، نوعی تلاش قانونی و حقوقی و نیز موافق دیدگاه‌های فقهی است. به این دلیل که حفظ

علیه کودکان است که توسط سایر مراجع می‌تواند واکاوی شده و علل آن از منظر اقتصادی، فرهنگی، سیاستگذاری و حقوقی روشن شود. در این صورت، رسیدگی و حل مصادیق کودک‌آزاری آسان‌تر است. بدین ترتیب تلاش‌های پیشگیرانه گسترده، موفقیت بیشتری در زمینه حفاظت از کودکان ایفا می‌کنند که به ویژه در مورد کودکان در معرض آسیب بسیار مؤثر است (خزاعلی و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۶۱). بنابراین هم تخصصی بودن رسیدگی به کودک‌آزاری و هم نیاز به ارائه گزارش و اطلاعات دقیق به مراجع قضایی نشانگر اهمیت مراجعی نظیر سازمان پزشکی قانونی است که بر حسب اینکه حقوق کودکان در یک جامعه تا چه اندازه مورد توجه است، وظایف و کارکرد این سازمان نیز از اهمیتی متناسب با آن برخوردار خواهد شد. با توجه به اینکه در دین اسلام و حقوق برگرفته از آن، کودکان از اهمیت والایی برخوردار هستند، نیازها و ملزومات جدید برای حراست از حقوق کودکان و جلوگیری از تعدی به جسم و روان آنان نیز مورد توجه خاصی گرفته است که به بررسی آن اقدام خواهد شد.

بدیهی است که برای دفع تهدیدات و خطرات از جمله کودک‌آزاری که مصداق بارز نادیده‌گرفتن حق بر سلامتی کودک است، نیازمند تلاش‌های مدونی هستیم که در دوره معاصر بر عهده برخی سازمان‌ها از جمله پزشکی قانونی و گذاشته شده است. به این دلیل که در بحث کودک‌آزاری، قانونگذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، از جمله در ماده سوم (بند ب)، نقش خاصی به پزشکی قانونی داده است. در این ماده به صراحت از نقش پزشکی قانونی و تشخیص وی در کودک‌آزاری برای مداخله و حمایت قانونی سخن به میان آمده است. این ماده بیان کرده: «ابتلای هریک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری با اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی». این بدان معنا است که در صورت تشخیص پزشکی قانونی در تأیید مصادیق کودک‌آزاری به شیوه‌های مختلف توسط والدین، مراجع قانونی می‌توانند ورود پیدا کنند و حسب نوع جرم صورت گرفته بر علیه اطفال و کودکان، اقدامات تنبیهی یا بازدارنده را لحاظ کنند. از این‌رو، پزشکی قانونی نقش قابل توجهی در



هایی که در محیط ارتکاب جرم ناخواسته به جا می‌گذارد، کارگزاران کشف جرم را در رسیدن به حقیقت یاری می‌کنند (زعفری و پنجه پور، ۱۳۹۵: ۳۱۶). بنابراین همسو با نگرش فقهی و حقوقی در زمینه مقابله، پیشگیری و یا مجازات والدینی که مرز میان آگاه کردن کودکان و تنبیه فیزیکی و روحی و روانی آنان را نادیده گرفته و باعث بروز صدمات به کودکان می‌شوند، باید گفت که دستیابی به حقیقت و کمک به قاضی در این مسیر مستلزم آن است تا همکاری متخصصینی نظیر پزشکان قانونی مورد توجه قرار گیرد.

### ۳-۲- پزشکی قانونی به‌مثابه پشتوانه نفی کودک‌آزاری

وظایف و مسؤولیت پزشکی قانونی از جهت اعلام نظر کارشناسی و تدقیق در رویدادهای ناگوار برای کودکان و نوجوانان پشتوانه مناسبی جهت جلوگیری از تداوم آزار کودکان به شیوه جسمی و آسیب وارد شدن به آنان است. توضیح اینکه وقتی در این‌باره، پزشک معاینه‌کننده و سیستم قضایی دوشادوش هم درصدد مقابله با این مشکل برآیند، سیستم قضایی باید با بهره‌بردن از قوانین خاص با آن مبارزه کند (جویان، ۱۳۷۸: ۸۵). بنابراین هرچند که پزشک قانونی، دادگاه نیست، ولی هنگامی که در مقام اجرای وظایف خود می‌خواهد میزان آسیب‌های جسمی و زوال منافع را با قوانین مجازات اسلامی مدون تطبیق بدهد، و یا اینکه در صدد باشد تا عضو آسیب‌دیده نظیر آنچه در بدن کودک اثری از آزار و شکنجه باشد، را بررسی کند، در عمل وارد نوعی حکمیت و داوری می‌شود. به همین دلیل نظرات و گزارش‌های پزشک قانونی باید با جدیدترین دستاوردهای علم پزشکی و موازین شرعی مستندسازی گردد (فتاحی، ۱۳۸۰: ۵۱۳). بدین ترتیب رسیدگی به آسیب‌ها، آثار شکنجه، ضرب و جرح و آنچه آزار کودک خوانده می‌شود، توسط پزشکی قانونی قابل رسیدگی است که همین گزارش رسیدگی به قاضی نیز ارجاع داده می‌شود تا در قبال این گونه مسائل رسیدگی شود. اما برای نقش‌آفرینی مؤثر پزشکی قانونی در زمینه مقابله و شناسایی کودک‌آزاری نیازمند اصلاح قوانین هستیم. از جمله اینکه در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی در ارتباط با تنبیه کودک، اشاره اختصاصی نشده است و تنبیه در حد «متعارف» را جایز دانسته است. حال آنکه این حد متعارف مشخص

سلامت جسمی و بدنی کودکان در فقه نیز مورد تأکید فراوانی بوده است. بر همین اساس، نوع نگرش قانونگذار، مبنا قرار دادن پزشکان قانونی هم به‌عنوان پزشک قانونی و هم به‌عنوان کارشناس است. آنجایی که بر حسب مواد ۱۳۰ و ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از حضور کارشناس برای حضور در صحنه جرم و معاینات لازم نام می‌برد. همچنین در ماده ۲۰۲۰ قانون اخیرالذکر، جهت تشخیص سلامت روان، بر نظر گروه پزشکی قانونی تأکید دارد. یا اینکه برای برخی دیگر از امور، مواد ۵۶۵، ۵۸۰ و ۶۷۱ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در زمره کارشناسان مورد وثوق قرار می‌گیرد. بنابراین استفاده از پزشکان قانونی و حضور آنان در فرایند دادرسی کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از مرحله کشف جرم تا اجرای آن حکم قابل حصول است که نشان‌دهنده اهمیت اظهارنظر کارشناسی، فنی و تخصصی در عین رعایت عدالت و بی‌طرفی است (زعفری و پنجه پور، ۱۳۹۵: ۳۱۶). بنابراین در موارد تخصصی نظیر کودک‌آزاری و یا وقوع مصادیق آن، نیازمند تخصص و اظهارنظر پزشک متخصص به‌عنوان یگانه مرجع برای تشخیص موضوع و حکم است.

هرچند در فرایند صدور حکم، این قاضی است که نظر نهایی را اعلام می‌کند، اما برای کشف حقیقت، نظر پزشکی قانونی بسیار اهمیت دارد (مدنی، ۱۳۸۷: ۳۲۲). زیرا جمع‌آوری اطلاعات مربوط به کودک‌آزاری، میزان و نوع آن و تشخیص صدمات و خساراتی که بر کودک وارد شده است، امری تخصصی و جزئی است و از توان قضات خارج است. با توجه به تخصصی شدن امور از یک طرف و لزوم رعایت اصل عدالت و دقت در رسیدگی به جرایم کیفری در فقه و حقوق اسلامی، پزشکی قانونی یک نهاد و مرجع تأثیرگذار بر موضوع کودک‌آزاری است. وقتی که پزشکی قانونی به‌عنوان یک نهاد پزشکی و حقوقی چنین مصادیقی را به شکل مطلوبی گزارش کند، راهکارها برای مقابله با این معضل نیز به شکل قابل توجهی مؤثر خواهد بود. با توجه به اینکه کشف حقیقت در ارتباط با امور کیفری نظیر کودک‌آزاری، برخلاف امور مدنی که عمدتاً مبتنی بر اسناد روابط خصوصی طرفین است، در مواردی خارج از توان آنها و به جهت آثار و نشانه-

### نتیجه‌گیری

کودک‌آزاری از سوی والدین می‌تواند نشأت گرفته از عوامل مختلفی باشد که رسیدگی به آن و جلوگیری از تضییع حقوق کودکان نیازمند دادرسی عادلانه، تخصصی و همراه با تضمین حقوق کودکان است که بدون مراجعه به یک نهاد تخصصی امکان‌پذیر نیست. بنابراین نقش نهادها و مراجعی نظیر پزشکی قانونی به جهت جمع‌آوری گزارش و ارجاع آن به قضات جهت کشف حقیقت و رسیدگی قضایی امری مهم و قابل توجه است. با توجه به اینکه کودک‌آزاری می‌تواند طیفی از آزار روحی و روانی، تنبیه و مجازات جسمی و بدنی و یا کودک‌آزاری جنسی باشد، استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان در این زمینه از جمله پزشکی قانونی هم رجوع به گزارش‌های علمی و مستند است و هم می‌تواند کمک شایانی به دادرسی عادلانه توسط قاضی باشد. از این حیث با توجه به اینکه در فقه و حقوق اسلامی بر جایگاه خاص کودکان تأکید شده است، استفاده از پزشکی قانونی به‌عنوان ضابط قضایی و برجسته شدن نقش آن به شکل قابل توجهی هم می‌تواند قضات را در رسیدگی به کودک‌آزاری یاری رساند و هم اینکه مصادیق کودک‌آزاری را به شکل قابل توجهی برای جامعه روشن سازد. با عنایت به قوانین موجود از جمله قانون مجازات و آیین دادرسی کیفری و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و اصلاحیه‌های بعدی مربوط به هریک از قوانین مذکور، ایجاد مراجعی که بتواند حامی قضات در روند صدور حکم عادلانه در زمینه کودک‌آزاری والدین باشد، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. بر این اساس، دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه که در قانون حمایت از کودکان و نوجوان مصوب ۱۳۹۹ تأسیس شد، می‌تواند الگویی برای سایر قوا و نهادهای سیاسی کشور باشد تا از این طریق بتوانند در حیطة تقنینی و اجرایی، جایگاه خاصی برای کودکان و نوجوانان در نظر بگیرند و راه را برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی، از جمله کودک‌آزاری ببندند. اثرگذاری قوانین مصوب شده در زمینه حمایت از کودکان نیازمند آن است تا نقش نهادهای تخصصی نظیر پزشکی قانونی در رسیدگی تخصصی و اظهارنظر کارشناسی بیش از پیش برجسته شود.

نیست و این می‌تواند بهانه برای کسانی باشد که تنبیه فرزند خود را یک حق طبیعی می‌دانند (خلیلی پاجی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰). به نظر می‌رسد قبل از اینکه بتوان نسبت به نقش مؤثر پزشکی قانونی و ارجاع گزارش آن به نهادهای قضایی سخن گفت، باید این زمینه‌های قانونی را اصلاح تا در وهله بعد پزشکی قانونی بتواند مصادیق کودک‌آزاری را در سایه حمایت قانونی روشن نماید.

وظایف پزشکی قانونی در موضوع کودک‌آزاری در مراحل مختلف رسیدگی قانونی برجسته است و شامل مراحل کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیق و پرس‌وجو از وی، اعمال نظرات کارشناسی درباره خسارات و میزان آن و... می‌تواند کمک شایانی به قضات در امر رسیدگی کیفری نماید. بنابراین رویکرد دیگری که اهمیت پزشکی قانونی در موضوع کودک‌آزاری را نشان می‌دهد این است که در صورتی که اعمال پزشکی قانونی بتواند باعث افزودن به علم قاضی شود، می‌تواند بر آنها تکیه کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). بنابراین علمی که ناشی از تجربه و مشاهده توسط یک متخصص از جمله پزشکی قانونی حاصل می‌شود، می‌تواند در زمینه تحقق عدالت کمکی به قاضی محسوب گردد. تا زمانی که علم و تخصص پزشکی قانونی بتواند باعث رسیدگی دقیق، عادلانه و منصفانه در زمینه پیشگیری و مقابله با کودک‌آزاری والدین شود و یا به مجازات والدین مجرم منجر گردد، قابل دفاع است (اربابی مجاز، ۱۳۹۰: ۱۷۶). بنابراین هرچقدر میزان و نوع بهره‌گیری قاضی در پرونده‌های کودک‌آزاری از طرف پزشکی قانونی دارای اعتبار متقن، علمی و به دور از احساسات و عواطف فردی و نهادی باشد، قاضی نیز به همان اندازه می‌تواند جهت رسیدگی به دعاوی کیفری کودک‌آزاری از آنان استفاده نماید. بدین ترتیب استفاده از نظرات پزشکی به‌عنوان یکی از مبادی کسب علم و آگاهی برای قاضی، رسیدگی به کودک‌آزاری والدین و اثبات جرایم، تعیین مجازات و یا پیشگیری از آن می‌تواند کارساز باشد.

رویکردی که تقویت کننده دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در زمینه جلوگیری از کودک‌آزاری والدین بر علیه کودکان است.

با این حال برای رفع برخی زمینه‌های قانونی در زمینه مقابله با کودک‌آزاری می‌توان مواردی را پیشنهاد نمود:

اقدام اول، اصلاح برخی زمینه‌های قانونی از جمله بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی است که تنبیه کودکان در حد متعارف را مجاز دانسته و این مجاز دانستن در حد متعارف می‌تواند مرز تأدیب و تنبیه را جابه‌جا کند. بنابراین در صورتی که این قوانین زمینه را برای تنبیه کودک از سوی والدین مجاز بداند، نقش سازمان پزشکی قانونی برای رسیدگی و گزارش دادن از مصادیق کودک‌آزاری با موانع قانونی روبه‌رو خواهد شد. زیرا هر والدین کودک‌آزاری می‌تواند تنبیه فرزند خود را «متعارف» بداند.

ایراد دیگری که نیازمند اصلاح است، ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است که بر مبنای آن، رسیدگی به کودک‌آزاری و تنبیه فیزیکی کودک را منوط به نقص یا شکستگی یا از کار افتادن عضوی از بدن یا بروز یک مرض دائمی یا نقص یکی از حواس پنجگانه دانسته است. در این صورت نیز نقش‌آفرینی سازمان پزشکی قانونی و یا حتی گزارش‌های آن به نهادهای قضایی برای رسیدگی به کودک‌آزاری فاقد اهمیت خواهد بود. بنابراین تا زمانی که قوانین مزبور زمینه را برای تنبیه و کودک‌آزاری کودک توسط والدین مجاز و متعارف بدانند، گزارشات پزشکی قانونی می‌تواند تأثیر چندانی نداشته باشد از این رو پیشنهاد اصلاح این ماده قانونی دارای اهمیت است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** مقاله حاضر مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** لازم است از اساتید گرامی که در تدوین و ارائه انتقادات باعث غنای مقاله شدند، قدردانی نمایم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- اربابی مجاز، مصطفی (۱۳۹۰). «اعتبار اظهارنظر کارشناسی پزشکی قانونی در اثبات جرم از منظر فقه امامیه». *فصلنامه فقه پزشکی*، ۳ (۸-۷): ۱۵۹-۱۹۴.

- انجم شعاع، محمدمهدی (۱۳۹۰). «تنبیه بدنی کودکان در پرتو سیاست جنایی حکومت دینی». *حقوق بشر*، ۶ (۲): ۱-۱۸.

- جویان، علیرضا (۱۳۷۸). «دیدگاه پزشکی قانونی در تشخیص و احراز سوءاستفاده جنسی از کودکان». *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۲ (۶): ۸۴-۹۸.

- حرّ العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث.

- حلّی، نجم‌الدین جعفر (۱۳۵۹). *شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام*. قم: اسماعیلیان.

- خزاعلی، محمدرضا و جمشیدی، فرخنده (۱۴۰۰). «بررسی علل قابل پیشگیری کودک‌آزاری مراجعان به سازمان پزشکی قانونی اهواز». *مجله پزشکی قانونی ایران*، ۲۷ (۱): ۵۱-۵۸.

- خلیلی پاجی، عارف؛ میرکمالی، علیرضا و باقری، علی (۱۳۹۶). «بررسی فقهی و حقوقی مرز «کودک‌آزای» و «تنبیه کودکان از سوی والدین». *دوفصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق*، ۱۱: ۵-۲۷.

- زعفری، زیبا و پنجهپور، جواد (۱۳۹۵). «نقش پزشکان قانونی در فرایند دادرسی کیفری براساس قانون آیین دادرسی

- مروارید، حسنعلی (۱۳۸۳). مبدأ و معاد در مکتب اهل علیه السلام. ترجمه ابوالقاسم تجری گلستانی، قم: انتشارات دارالعلم.

- مظاهری، معصومه و صالحی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۲). «بررسی مبانی فقهی حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان با رویکردی به نظر امام خمینی». پژوهشنامه متین، ۱۵ (۶۱): ۷۵-۹۹.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). استفتائات جدید. تهران: انتشارات مدرسه امام علی (ع).

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). از حق‌های کودکان تا حقوق کودکان. دیپاچه در کتاب: مدنی، سعید و ابوحمزه زینالی، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران، تهران: نشر میزان.

- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۹). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. تصحیح سید ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه‌الاسلامیه.

- نیکنامی، ندا؛ آقای، علی‌اصغر و کاظمی، سارا (۱۳۹۲). «خشونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه حقوقی اسلام». فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه آزاد، ۶ (۲۲): ۱۳۳-۱۵۲.

- یزدانی، یوسفعلی و زاهدیان، محمدحسین (۱۳۹۶). «سیاست کیفری افتراقی در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال در نظام حقوقی ایران». شیراز: کنفرانس بین‌المللی دانشگاه شیراز.

کیفری مصوب ۱۳۹۲». مجله پزشکی قانونی ایران، ۲۲ (۴): ۳۱۵-۳۲۴.

- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). القواعد الفقیه. چاپ پنجم: قم: انتشارات دایره المعارف فقه اسلامی.

- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). «تحولات دادرسی اطفال در حقوق ایران». تعالی حقوق، ۲ (۱): ۴۸-۷۱.

- عاملی، زین الدین (۱۳۸۰). مسالک الافهام. قم: اسماعیلیان.

- عباسی، سجاده؛ جعفرزاده، سیامک و صالحی، سید مهدی (۱۴۰۰). «عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹». فصلنامه آموزه‌های حقوقی کیفری، ۱۸ (۲۱): ۲۷۵-۳۰۴.

- عبدالله‌پور، شیدا (۱۳۹۸). «بررسی جرم کودک‌آزاری در حقوق ایران و فرانسه». فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، ۱۱ (۲): ۵۸-۶۹.

- فتاحی، حسین (۱۳۸۱). مجموعه مقالات و چالش‌های حقوقی پزشکی، دومین سمینار دیدگاه‌ها در پزشکی، مشهد. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- فرقانی، منصور (۱۳۸۰). مبانی فقهی و حقوقی جرایم و تأدیبات کودک. تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان.

- فصیح رامندی، منصوره (۱۳۹۸). «مصادق‌های حقوق معنوی کودک در سیره رضوی و نظام حقوقی ایران». فرهنگ رضوی، ۷ (۳): ۸۷-۱۱۱.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۹). اصول کافی. قم: اسماعیلیان.

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). فقه پزشکی. تهران: انتشارات حقوقی.

- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر پایدار.